



Compensation for Damages Caused by the Delay in the Implementation of the Contract in Iranian Jurisprudence and Law

Hamzeh Abroozan ¹, Sam Mohammadi, ^{2*}, Hamid Abhari ³

1. PhD student of Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Mazandaran, Iran.

2. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University Mazandaran, Mazandaran, Iran.

3. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Mazandaran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 65-80

Article history:

Received: 10 Jun 2023

Edition: 2 Sep 2023

Accepted: 26 Oct 2023

Published online: 22 Jun 2024

Keywords:

Damage, Contractual Obligations, Delay in the Implementation of Obligations, Non-Profit

Corresponding Author:

Sam Mohammadi

Address:

Iran, Mazandaran, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0001-5064-3096

Tel:

09111119556

Email:

sammhmd@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Purpose: The purpose of this article is to examine the compensation of damages caused by the delay in the implementation of the contract in Iranian jurisprudence and law.

Materials and Methods: The method of the present article is analytical description. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: In jurisprudence, there is no single point of view regarding the compensation for damages caused by the delay in the execution of the contract. Some believe that it is possible and some believe that it is not possible to claim damages in this regard. In the subject rights, the acceptance of damages for the delay in the performance of contractual obligations is accepted. If the damages are determined for the delay in implementation, the obligor will be entitled to demand the implementation of the obligation. Unlike when receiving damages for non-performance, in this case the obligation to perform is no longer possible; Because the application of the condition of damages is a substitute for implementation.

Result: in the subject law, two types of agreed damages and damages determined by the law can be demanded in the context of delay in the execution of the contract, but there are ambiguities regarding damages for loss of profit, which need to be clearly expressed by the legislator's approach.

Cite this article as:

Abroozan A, Mohammadi S, Abhari H. *Compensation for Damages Caused by the Delay in the Implementation of the Contract in Iranian Jurisprudence and Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران

حمزه ابروزن^۱، سام محمدی^{۲*}، حمید ابهری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۲. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۳. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از چالش‌های اجرای تعهدات قراردادی، تأخیر اجرای این تعهدات است. هدف مقاله حاضر بررسی جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران است.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در فقه دیدگاه واحدی در خصوص جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد وجود ندارد. برخی بر امکان و برخی نیز بر عدم امکان مطالبه خسارت در این خصوص عقیده دارند. در حقوق موضوعه اصل پذیرش خسارت تأخیر اجرای تعهدات قراردادی پذیرفته شده است. در واقع، خسارت تأخیر در انجام تعهد یک خسارت قراردادی و توافقی است و همان وجه التزام مقرر در ماده ۲۳۰ قانون مدنی با موضوع تعهدات غیر پولی می‌باشد و میزان آن بنا به توافق طرفین تعیین می‌شود. اگر تعیین خسارت برای تأخیر در اجرا باشد، متعهدله مستحق مطالبه اجرای تعهد خواهد بود. برخلاف موقعی که دریافت خسارت برای عدم اجرا باشد در این صورت الزام به اجرا دیگر ممکن نیست؛ چرا که اعمال شرط خسارت به عنوان بدلی برای اجرا است.

نتیجه: در حقوق موضوعه دو نوع خسارت توافق شده و خسارت تعیین شده از سوی قانون در زمینه تأخیر اجرای قرارداد قابل مطالبه است اما در خصوص خسارت عدم النفع ابهام‌هایی وجود دارد که لازم است رویکرد قانون‌گذار شفاف بیان گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۵-۸۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

واژگان کلیدی:

خسارت، تعهدات قراردادی، تأخیر اجرای تعهدات، عدم النفع

نویسنده مسئول:

سام محمدی

آدرس پستی:

ایران، مازندران، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09111119556

کد ارکید:

0000-0001-5064-3096

پست الکترونیک:

sammhmd@yahoo.com

۱. مقدمه

شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس پرداخته است (احمدوند، ۱۳۸۳) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده در این است که در مقاله حاضر جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر همین اساس مقاله حاضر درصدد بررسی این سؤال مهم است که جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل مطرح شده است که «در فقه نسبت به جبران خسارت تأخیر انجام تعهد قراردادی اختلاف نظر وجود دارد اما دیدگاه موافقت با جبران خسارت به واقعیت نزدیکتر است و در حقوق موضوعه مطالبه جبران خسارت تأخیر انجام تعهد قراردادی پذیرفته شده است هر چند در خصوص عدم‌النوع به صراحت چنین حقی تصریح نشده است». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره ابتدا دیدگاه فقه و در ادامه دیدگاه حقوق موضوعه در خصوص جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

روش مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه دیدگاه واحدی در خصوص جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد وجود ندارد. برخی بر امکان و برخی نیز بر عدم امکان مطالبه خسارت در

از موارد شایع تخلف در انجام تعهدات قراردادی و اجرای مطلوب قراردادها، تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی است. این مسئله در قراردادهای بین اشخاص حقیقی و در قراردادهای تجاری، اعم از بخش دولتی و خصوصی با شرکت‌ها و کشورهای خارجی. یک چالش اصلی در زمینه اجرای قرار داده است چرا که در زمینه‌های مختلف خرید و فروش کالا، تولید، بهره‌برداری و خدمات قراردادهایی منعقد می‌شود و در بسیاری از موارد، متعهد در اجرای تعهدات ناشی از این قراردادها به طور کلی یا جزئی تأخیر نموده و از بابت دچار خسارت می‌شود. اگر شخصی، طبق قرارداد، تعهد کند که کاری را انجام می‌دهد و از تعهد خود تخلف کند، مسئول خسارتی می‌باشد که به طرف مقابل وارد کرده است. این موضوع، در ماده ۲۲۱ قانون مدنی، ذکر شده است که به موجب آن، در صورتی که متعهد به تعهد خود عمل نکند، طبق قانون، ملزم به جبران خسارت خواهد بود. هر چند اصل جبران خسارت تأخیر اجرای قرارداد بر نظر پذیرفته شده است اما بررسی آن از دیدگاه فقهی از این جهت اهمیت دارد که ممکن است در فقه لزوماً این‌گونه نبوده و دیدگاه یکسانی در این خصوص وجود ندارد. از طرفی در حقوق موضوعه نیز شرایط و خسارت‌های قابل مطالبه در تأخیر اجرای تعهدات قراردادی محل بحث و اختلاف است. پژوهش‌های محدودی در زمینه جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای قرارداد انجام شده است: چمران رفیعی پور، صالح یمرلی و مجید صفوی، در مقاله‌ای، خسارت تأخیر در انجام تعهدات قراردادی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده است (رفیعی پور، یمرلی و صفوی، ۱۴۰۱) ولی‌الله احمدوند نیز در مقاله‌ای، به بررسی آثار و احکام

و مسئولیت در تأخیر اجرای تعهدات قراردادی به مستندات تمسک کرده‌اند که در ادامه بیان می‌شود.

یکی از استنادات موافقین جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی، حدیث لاضرر است. یکی از قواعد مهم فقهی قاعده لاضرر است. اگرچه در مضمون و مفاد این قاعده در میان اندیشمندان اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما در نگاه برخی مفاد این قاعده عبارت است از آن که هرگونه حکم ضرری در اسلام نفی شده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶، ۷۵). بر همین اساس برخی فقیهان بر این عقیده‌اند که حکم به عدم جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی نوعی ضرر در حق مالک به حساب می‌آید که در اسلام منفی اعلام شده است (طباطبایی - حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ۱۶). صاحب جواهر در نقد دیدگاهی که لاضرر را مستند ضمان معرفی می‌نماید، می‌نگارد: «حدیث لاضرر صرفاً نامشروع بودن عملی را که مستلزم ضرر و ضرار است در اسلام اعلام می‌کند و در واقع نهی از ایجاد چنین عملی است و به جز حرمت چیزی از آن فهمیده نمی‌شود؛ زیرا اگر اراده نفی حقیقی در لاضرر ناممکن باشد، حرمت تکلیفی، نزدیک‌ترین معنای مجازی به آن است. بلکه می‌توان ادعا کرد حرمت، معنای حقیقی است و مجازی در آن وجود ندارد. از این‌ها گذشته بفرض که لاضرر بر ضمان مالی دلالت داشته باشد، استفاده ضمان در هر موردی مستلزم فتوای اصحاب در آن مورد است و نمی‌توان به اطلاق آن فتوا داد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ۳۷).

دلیل دیگر موافقین، جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی، قاعده تسبیب است. در صورتی که شخصی مال دیگری را به طور مستقیم تلف نکند، اما زمینه و سبب تلف مال وی را فراهم

این خصوص عقیده دارند. در حقوق موضوعه اصل پذیرش خسارت تأخیر اجرای تعهدات قراردادی پذیرفته شده است. در واقع، خسارت تأخیر در انجام تعهد یک خسارت قراردادی و توافقی است و همان وجه التزام مقرر در ماده ۲۳۰ قانون مدنی با موضوع تعهدات غیر پولی می‌باشد و میزان آن بنا به توافق طرفین تعیین می‌شود. در حقوق موضوعه دو نوع خسارت توافق شده و خسارت تعیین شده از سوی قانون در زمینه تأخیر اجرای قرارداد قابل مطالبه است اما در خصوص خسارت عدم النفع ابهام‌هایی وجود دارد که لازم است رویکرد قانون گذار شفاف بیان گردد.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا، جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی از منظر فقه و سپس در حقوق موضوعه ایران بررسی می‌شود.

۵-۱. جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی از منظر فقه

اندیشه‌های فقهی جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی با نگاهی به متون فقهی می‌توان به دو نگره در این باره دست یافت که در ادامه تبیین می‌گردد.

۵-۱-۱. دیدگاه موافق جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی

از نگاه برخی فقیهان و صاحب‌نظران دامنه مسئولیت به عدم‌النفع نیز سرایت داده می‌شود. از نظر ایشان تفویت منافع مسلم از نظر عرف، تلف مال و ایراد ضرر و خسارت تلقی می‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ۱۶). برخی از نویسندگان معاصر در ضمن آثار خویش به اثبات و دفاع از این نگاه پرداخته‌اند (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۵؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ۱۸۵). موافقین به ضمان

فقهی استناد شده است (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۶). از رهگذر این قاعده برخی معتقدند که می‌توان بادی وسیع‌تری این نظریه را تقویت کرد که برای مسئولیت قراردادی در فقه به قاعده تسبیب می‌توان استناد کرد (شهرکی زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۵).

این نگاه از منظر فقیهان امامیه مورد پذیرش واقع نشده است، زیرا در نگاه ایشان قاعده تسبیب درجایی است که به از میان رفتن مالی بینجامد. میرزا حبیب‌الله رشتی مجرای قاعده تسبیب را جایی می‌داند که مال موجود خواه عین باشد یا منفعت، از میان برود (رشتی، ۱۳۲۲، ۲۰). صاحب جواهر نیز در ذیل این مسئله که حبس صنعت‌گر ضمانی را نسبت به منافع وی ندارد، توضیح می‌دهد که: «هرچند تسبیب از موجبات ضمان به شمار آمده ولی درجایی جریان می‌یابد که به تلف مال تعلق گیرد و عمل صنعتگر به خودی خود مال موجود نیست تا تسبیب تلف آن معنا داشته باشد» (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۰). به لحاظ مبنایی، هدف جبران خسارت، نقش مهمی در تعیین قواعد مربوط دارد. در یک نظریه، هدف از جبران خسارت، برگرداندن وضعیت متعهدله به حالت پیش از انعقاد قرارداد است. در نتیجه متعهد تنها ملزم به ترمیم ضرری است که به‌طور مستقیم به متعهدله از ناحیه عدم اجرای تعهد وارد شده است، اما نسبت به تقویت منافع مورد انتظار از قرارداد که از آن به عدم النفع تعبیر می‌شود، مسئولیتی وجود ندارد.

۵-۱-۲. دیدگاه مخالفین جبران خسارت

تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی

برخی (داراب‌پور، ۱۳۸۹، ۵۶) وجود مسئولیت قراردادی را در فقه اسلامی انکار کرده‌اند، زیرا وقتی امروز از مسئولیت قراردادی سخن به میان می‌آید، خسارت عدم‌النفع یا زیان‌های معنوی و یا خسارت تأخیر تأدیه به ذهن متبادر می‌شود؛ درحالی‌که فقه

نماید، اتلاف به تسبیب نامیده می‌شود و عامل زیان، ضامن خسارتی است که از این راه ایجاد نموده است. براین اساس تسبیب در منابع فقهی عبارت است از هر فعلی که سبب تلف مال غیر گردد. البته «سبب» به معنای فلسفی آن؛ یعنی علت تامه مراد نیست بلکه مراد از سبب شرط یا علت ناقصه مؤثر است. محقق حلی تسبیب را عبارت می‌داند از «هر فعلی که تلف به واسطه آن تحقق پیدا کند» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۸۶). وی در کتاب دیات ضابطه‌ای در مورد تسبیب ارائه می‌نماید که «تسبیب فعلی است که اگر آن فعل نبود چنین تلفی حاصل نمی‌شد ولی علت مستقیم آن چیز دیگر است» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۳۷). بر اساس مبانی فقهی فوق هر جا شخصی به کاری دست بزند که عرفاً سبب اتلاف مال دیگری شود از مصادیق تسبیب است به عنوان مثال بین کردن چاه در وسط خیابان و سقوط رهگذر در آن رابطه علیت تامه وجود ندارد؛ زیرا ممکن است هیچ‌گاه کسی در آن چاه سقوط نکند ولی اگر سقوطی محقق شود، کسی که چاه را حفر کرده و هیچ عالمت هشداردهنده‌ای نیز قرار نداده از نظر عرف سبب حادثه تلقی می‌شود. بنابراین حفرکننده چاه از باب تسبیب ضامن است. برای تسبیب مثال‌های مختلف دیگری نیز در منابع فقهی ذکر شده است. از جمله سد معبر و ایجاد ضرر برای دیگران، انداختن صبی یا حیوان عاجز از فرار در قفس حیوان درنده و باز نمودن قید حیوان یا باز نمودن قفس پرنده متعلق به غیر در صورتی که این کار موجب تلف آن حیوان شود؛ همه از مصادیق اتلاف به تسبیب است (شهرکی زنگنه، ۱۳۹۷، ۸۹) در اثبات ضمان به واسطه تسبیب نیز اختلافی وجود ندارد و بر آن ادعای اجماع شده است (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۶). در این زمینه به ادله و روایات متعددی در ابواب مختلف

عن غیرالصانع بلا خلاف أجده فيه، بل فی الکفایة هو مقطوع به فی کلام الاصحاب» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷، ۳۹). میرزا حبیب‌الله رشتی نیز در عدم ضمان کسی که حبس شده است، می‌نگارد: «لو حبس صانعا ففات عنه اجرة عمله لم یضمن وفاقا للکلّ او الجلّ بل لاخلاف فی ذلک» (رشتی، ۱۳۲۲، ۲۱). این تعابیر همگی کاشف از موافقت همگان با عدم ضمان است.

عدم مالیت تفویت منافع از دیگر دلایل مخالفان جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی است. مسئولیت قراردادی بیشتر ناظر به تفویت منافع است و تفویت منافع نیز مال محسوب نمی‌شود و از همین رهگذر موضوع ضمان منتفی می‌گردد. علامه حلی، در این مسئله که صنعتگر آزاد را بدون مجوز زندانی می‌کند و بدون آن که از منافع او بهره برداری کند، مدتی وی را در توقیف خویش نگه می‌دارد، فتوا می‌دهد که توقیف‌کننده در برابر اجرت المثل ضمانی ندارد. به نظر ایشان، «تفویت منفعت» با «فوات منفعت» فرق دارد. تفویت منفعت در صورتی است که از منافع وی به نفع خویش بهره‌برداری کند، ولی در فوات منفعت، منافع وی معطل مانده بدون آن که وی را به کار گیرد. در صورت اخیر منافع او هم‌چون لباس‌هایش، تابع اوست و همان‌گونه که غصب خود او معنا ندارد، غصب منافع او نیز تحقق نمی‌یابد (علامه-حلی، ۱۴۲۳، ۳۸۲). صاحب جواهر نیز در ذیل این مسئله توضیح می‌دهد که هرچند تسبیب از موجبات ضمان به شمار آمده ولی درجایی جریان می‌یابد که به تلف مال تعلق گیرد و عمل صنعتگر به خودی خود مال موجود نیست تا تسبیب تلف آن معنا داشته باشد» (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۰). در موارد مشابه نیز فقیهان همین حکم را بیان داشته‌اند به طور مثال در صورتی که شخصی مالی

اسلامی با امکان مطالبه این خسارات سازگاری ندارد. در واقع از این منظر چونکه در فقه، مطالبه خسارت عدم‌النوع و زیان‌های معنی امکان پذیر نیست لذا جبران خسارت تأخیر در تعهدات قراردادی پذیرفته نشده است (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ۱۷۵). به عنوان دلیل دیدگاه برخی فقها مطرح می‌شود که «اگر شخصی مانع از بیع متاع دیگری شود تا قیمت بازار کاهش پیدا کرده، خسارت ناشی از کاهش قیمت قابل مطالبه نیست» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۲۲۳). شهید اول نیز در کتاب دروس با شدت و اهتمام به عدم ضمان حکم فرموده است: «أما لو منعه من بیع متاعه فی السوق فنقصت قیمته لم یضمن قطعاً» (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳، ۱۰۶). در همین راستا، فاضل آبی نگاشته است: «و لو حبس صانعا لم یضمن أجرته» (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۸۱). بدین معنا که اگر شخصی مانع رفتن صنعتگر به سر کارش شود، ضمانی نسبت به ارزش عمل او وجود ندارد. محقق کرکی نیز با این تبیین که در منع از ارائه کالا و نقص قیمت بازار، اگر اصل مال و صفات آن محفوظ بوده باشد، ضمانی در کار نیست (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۶، ۲۱۹). بر عدم ضمان تأکید کرده است.

اجماع از مهمترین دلایل مخالفان جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی است. صاحب جواهر می‌گوید: در مواردی که خسارت از ناحیه کاهش قیمت رخ داده است، مالی از زیان‌دیده به صورت مباشری یا تسبیبی تلف نشده است و به همین دلیل از دیدگاه فقیهان، اجماعی است که منافع انسان آزاد مورد ضمان قرار نمی‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷، ۱۵). وی همین نگاه را مورد صنعتگری که مانع از کارکردن وی صورت پذیرفته است، مطرح نموده و می‌نگارد: «أما لو حبس صانعا لم یضمن أجرته ما لم ینتفع به فضلا

۵-۲-۱-۱. انقضای موعد اجرای تعهد

برای پیدایش مسئولیت متعهد به جبران خسارت ناشی از تخلف در انجام تعهد قراردادی، لازم است مهلت اجرای قرارداد سپری شده باشد و پیش از آن متعهد له حق مطالبه خسارت ندارد. ماده ۲۲۶ ق.م. در این باره مقرر می‌دارد «در مورد عدم ایفای تعهدات از طرف یکی از متعالمین طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید مگر این‌که برای ایفای تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفای تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام به او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است». معمولاً انجام اجرای قرارداد به هنگام تشکیل عقد به‌وسیله طرف‌های قرارداد یا عقد تعیین می‌شود.

تأخیر در اجرای تعهد مانند عدم اجرای تعهد باید ثابت شود و هنگامی محقق می‌شود که اجرای تعهد امکان‌پذیر و قابل مطالبه باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۲۳۶) قاعده این است که متعهدله (زیان‌دیده) باید عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای تعهد را اثبات کند تا بتواند از متعهد خسارت بگیرد؛ ولی این قاعده جایی قابل اجراست که زیان‌دیده بخواهد فعل مثبت زیان‌بار متعهد را اثبات کند مانند اثبات انتقال سرقفلی در جایی که موضوع تعهد عدم انتقال سرقفلی بوده است. در صورتی‌که هرگاه موضوع تعهد امری مثبتی مانند به مقصد رساندن کالا باشد، زیان‌دیده به اثبات امر منفی (عدم تحویل) نیازی ندارد بلکه متعهد باید ثابت کند که کالا را به مقصد رسانده است.

ممکن است موعد اجرای تعهد در عقد معین شده باشد یا تعیین نشده باشد. در صورت اخیر موعد اجرای تعهد فوری است مگر این‌که عرف و عادت یا طبع کار اقتضای گذشتن مدتی را بکند. گاه

را غصب کند و پس از مدتی مال در دست او تلف شود، درحالی‌که قیمت آن در بازار طی این مدت در نوسان بوده است و در حین غصب رشد قیمت داشته و سپس در حین تلف افول کرده است، «بسیاری معتقدند که غاصب ضامن رشد قیمت نیست؛ بلکه قیمت مال از بین رفته در زمان ادا معیار ضمان خواهد بود؛ چراکه رشد قیمت مال موجود نیست و جلوگیری از رسیدن منفعت با تفویض منفعت فرق دارد» (رشتی، ۱۳۲۲، ۱۹). در مجموع از موارد فوق استفاده شده است که حکم لزوم جبران خسارت مربوط به مواردی است که عین اموال تلف شده باشد اما در مورد از بین رفتن منفعتی که از طریق انجام قرارداد به ذی‌نفع تعهد می‌رسیده و وی بر اثر تخلف طرف مقابل از آن‌ها محروم شده چون مال محسوب نمی‌شود، قاعده اتلاف و تسبیب دلالتی ندارد و نمی‌توان بر دریافت و خسارت بر آن‌ها درخواستی داشت (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۲). در واقع، قائلان به عدم جواز، به عدم صدق عنوان ضرر بر خسارت عدم النفع، عدم مالیت منافع بالقوه، عدم موجودیت فعلی نفع و فقدان رابطه سببیت استناد جسته‌اند.

۵-۲. جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در حقوق موضوعه

در این قسمت به بررسی جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در حقوق موضوعه پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. شرایط مطالبه خسارت تعهدات قراردادی در حقوق موضوعه ایران

شرایط مطالبه خسارت تعهدات قراردادی عبارت است از:

به طور کلی زمان اجرای تعهد قراردادی به سه گونه مشخص می‌شود، با توافق طرف‌های قرارداد به هنگام عقد، به حکم عرف و یا با تعیین بعدی یکی از طرف‌ها و یا شخصی ثالث.

الف: تعیین زمان اجرای قرارداد با توافق طرف‌های عقد: طرف‌های قرارداد بازمان انجام تعهد قراردادی را مشخص کنند. موعد مزبور ممکن است مضیق باشد در این صورت تعهد در زمان مزبور باید انجام گردد و ممکن است موعد موسع باشد در این صورت متعهد می‌تواند در هر زمان که بخواهد تعهد را انجام دهد همچنان که می‌تواند به آخرین لحظه تعهد را به تأخیر اندازد.

ب: تعیین زمان اجرای تعهد به وسیله عرف: گاهی طرفین به تعیین اجرای تعهد بسنده می‌کنند بدون این که مبدأ یا پایان مدت مزبور را مشخص کنند. اگر زمان شروع اجرای قرارداد به وسیله طرفین معین شده باشد لیکن مدت و زمان پایان آن معین نشده باشد در این صورت مدت اجرای قرارداد را عرف با لحاظ موضوع تعهد بر اساس مهلت مناسب برای انجام چنین موضوع تعهدی تعیین می‌کند. اگر مدت اجرای قرارداد و زمان شروع آن مشخص نشود، لیکن پایان آن معین گردد در این حالت زمان شروع کار با لحاظ عرفی آن مشخص می‌گردد.

گاهی ممکن است طرف‌های قرارداد فقط به بیان موضوع قرارداد بسنده کنند و نامی از مدت اجرای قرارداد و زمان شروع و پایان آن بندند، در این صورت نیز با مراجعه عرف در مورد موضوع مشابه مدت اجرای قرارداد مشخص می‌گردد. و زمان شروع کار هم عرفاً، زمان متصل به زمان تشکیل قرارداد خواهد بود مگر این که قرینه‌ای برخلاف آن موجود باشد تأثیر عرف در تعیین زمان اجرای قرارداد از جهت این است که عرف کاشف از اراده‌ی

موعد قید تعهد است و گاه جنبه فرعی دارد. در صورت نخست متعهد باید تعهد خود را در موعد مقرر اجرا کند و ایفای تعهد خارج از موعد (خواه پیش از سررسید موعد باشد یا پس از آن) نقض قرارداد محسوب می‌شود؛ مگر این که موعد فقط به نفع مدیون تعیین شده باشد که در این صورت ایفای تعهد پیش از موعد مانند تأدیه دین امکان‌پذیر است و متعهد می‌تواند از امتیاز مؤجل بودن دین بگذرد و بدهی خویش را پیش از موعد بپردازد؛ ولی ایفای دین پس از انقضای موعد نقض قرارداد است و مسئولیت به بار می‌آورد.

در صورتی که موعد قید تعهد نباشد و جنبه فرعی داشته باشد، تعهد بعد از انقضای موعد نیز از بین نمی‌رود و متعهد باید آن را ایفا کند، چنان که هرگاه کسی تعهد کرده باشد برای دیگری خانه‌ای را در مدت یک سال بسازد، بعد از انقضای موعد، تعهد از بین نمی‌رود و باید اجرا شود، ولی متعهد باید خسارات متعهدله را که به سبب تأخیر او وارد شده است جبران کند.

هرگاه برای اجرای تعهد دوره خاصی به نفع متعهد تعیین شده باشد، متعهد باید پیش از انقضای موعد به عهد خود وفا کند وگرنه متعهدله می‌تواند خسارات ناشی از تأخیر در ایفای تعهد را از او بگیرد بدون این که مطالبه او شرط دعوی جبران خسارت باشد (مستفاد از ماده ۲۲۶ ق.م. و لی هرگاه اختیار تعیین موعد به طلبکار واگذار شده باشد تعیین موعد و مطالبه او شرط دعوی جبران خسارت است چنان که هرگاه در عقد نکاح شرط شده باشد که مهر (عندالمطالبه) به هنگام مطالبه زن تأدیه شود، در این صورت زن ناگزیر است موعد را تعیین و به زوج ابلاغ کند تا بتواند در صورت تأخیر از او خسارت بگیرد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۲۳۴).

۵-۲-۱-۲. ورود ضرر به متعهدله

«هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است، به بیان دیگر، باید ضرری به بار آید تا برای جبران آن، مسئولیت ایجاد شود. پس باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۴۲).

بر اساس ماده اول قانون مسئولیت مدنی: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گریده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

بر اساس ماده دوم قانون مسئولیت مدنی نیز: «در موردی که عمل واردکننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنان چه عمل واردکننده زیان، موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. موضوع مسئولیت مدنی مجازات مرتکب نیست بلکه جبران خسارت ناشی از فعل مرتکب است». «از بیان مواد این قانون برمی‌آید که، هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت عواطف و حیثیت شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. قوانین و نویسندگان حقوقی ضررها را به سه گروه متمایز تقسیم کرده‌اند: ۱. مادی ۲. معنوی ۳. بدنی» (شمس، ۱۳۸۰، ج ۲، ۷۲۸)

«مقصود از ضرر مادی، زبانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه‌ای که از

طرفین در موارد سکوت ایشان است (دالوند، ۱۳۸۶، ۶۷).

ج) توافق به تعیین زمان اجرای قرارداد به وسیله متعهدله و مطالبه تعهد به وسیله او: مطابق ذیل ماده (۲۲۶ ق.م) ممکن است طرف‌های قرارداد به هنگام تشکیل عقد توافق کنند که متعهدله حق تعیین زمان انجام تعهد را داشته باشد در این صورت متعهدله وقتی می‌تواند مطالبه خسارت کند که انجام تعهد را از متعهد درخواست کرده باشد و متعهد از انجام آن خودداری کرده باشد. عدم انجام تعهد، توسط متعهد که یکی از شروط مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و مسئولیت قراردادی است، به این معنا می‌باشد که متعهد، تعهد خود را انجام نداده است. البته، این عدم انجام تعهد، در مواردی که اجرای قرارداد، ناممکن بوده و به علت عواملی، خارج از اراده متعهد اتفاق افتاده، تاثیری در ایجاد مسئولیت ندارد و تنها مواردی در نظر گرفته می‌شود که مدیون، پیمان شکنی کند و عامدانه از انجام تعهد خودداری کند. از طرفی اغلب، در قراردادهای، زمان انجام تعهد، تعیین می‌شود و دو طرف قرارداد باید، در زمان مشخص شده، تعهد خود را انجام دهند. زمان تعیین شده، می‌تواند یک روز خاص و یا یک مهلت مشخص باشد. شرط مهم که برای مطالبه خسارت لازم است، این می‌باشد که طرف قرارداد، تعهد خود را در مدت مشخص شده، انجام ندهد و موعد، منقضی شده باشد. بعد از پایان یافتن مدت مقرر شده در قرارداد و عدم انجام مسئولیت قراردادی، طلبکار می‌تواند، بدون اینکه نیاز به اثبات داشته باشد، اقدام به مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد نماید.

۵-۲-۱-۳. رابطه سببیت عرفی بین تأخیر در

اجرای تعهد و ضرر

«در اصطلاح، سبب و مسبب به اموری گفته شده که رابطه وجودی و عدمی بین آنها وجود دارد. سببیت نیز نوعی ملازمه وجودی و علمی بین دو امری است که ملزوم (مفعول) آن، سبب و لازم (فاعل) آن، سبب نامیده می‌شود، مانند هنگامی که امین نسبت به مال، تعدی و تفریط می‌کند و ضرری وارد می‌کند امین یا عمل او سبب محسوب می‌شود و ضرر وارده، مسبب است» (داراب‌پور، ۱۳۸۷، ۱۴۷). «برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیان بار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده باشد. این احراز رابطه علیت بین دو پدیده موجود یعنی فعل زیان‌بار و خسارت (ضرر) است. اصولاً در مواردی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات وجود آن دشوارتر می‌شود. برای این که حادثه‌ای سبب محسوب شود باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد» (دالوند، ۱۳۸۶، ۲۱).

«لزوم برقراری رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر از آن جهت حائز اهمیت است که گاه اسباب متعددی در ورود ضرر دخالت دارند. برای تعیین سبب مسئول در حوزه مسئولیت مدنی نظریه‌های گوناگونی طرح و ارائه شده است که به سه نمونه از آنها اشاره می‌شود: ۱. نظریه برابری اسباب: براساس این نظریه همه اسباب و شرایطی که موجبات ورود زیان را فراهم کرده‌اند با یکدیگر برابرند. ۲. نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب: این نظریه، قدیمی‌ترین و ساده‌ترین نظریه‌ای است که برای تشخیص سبب مسئول ارائه شده است. طبق این نظریه آخرین و یا نزدیک‌ترین سبب مقصر

بهای املاک مجاور بکاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت و نام تجاری) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان می‌رسد. به طور خلاصه می‌توان گفت: کاستن از دارایی شخص و هم‌چنین پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به شخص است. میزان ضرر نیز تفاوت میان دارایی کنونی زیان دیده و دارایی او، در صورتی که فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد است» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۲۳۶).

«تعریف زیان معنوی دشوار است و برای این که مفهومی از آن را داشته باشیم می‌توان گفت: صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی است. باید دانست که تعیین مرز بین ضررهای مادی و معنوی به گونه‌ای قاطع امکان ندارد، زیرا بسیاری از صدمه‌های روحی، بر روابط مالی شخص با دیگران آثار نامطلوب دارد و همین باعث زیان مالی وی می‌شود. صدمه‌های بدنی را باید زیانی میان دو گروه قبل به شمار آورد، چراکه هر دو چهره مادی و معنوی رادار است، چون هم از نظر روانی باعث زیان شخص است و هم هزینه‌های درمانی و ازکارافتادگی و... را بر دارایی او تحمیل می‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۴۴). «ارزیابی خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی دشوار است، زیرا احتمال و حدس در آن مؤثر می‌باشد، به‌عنوان مثال به دشواری می‌توان به قطع رسید که شکستگی استخوان یا ضربه‌های مغزی چه عوارضی به بار می‌آورد، وانگهی صدمه بدنی باعث ضررهای معنوی نیز می‌شود و در این صورت‌هاست که امر ارزیابی خسارت را دشوارتر می‌سازد. ضرر باید مسلم، مستقیم، مشروع، شخصی، جبران نشده، قابل پیش‌بینی باشد و ناشی از فعل زیان دیده نباشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۷۷).

همین مبنا شرط افزایش، کاهش و عدم مسئولیت، جز در موارد استثنایی اعتبار دارد. حکم قانون یا عرف برای جبران خسارت قاعده تکمیلی است و جنبه امری ندارد. با وجود این ممکن است حکم قانون درباره جبران خسارت ناشی از تأخیر تأدیه براساس تغییر فاحش قیمت‌ها در پاره‌ای از موارد امری و تراضی درباره آن باطل باشد. ولی هرگاه قصد دو طرف کاهش تعهد باشد، نه کاهش مسئولیت، نفوذ تراضی قوی‌تر است (داراب‌پور، ۱۳۸۷، ۷۹) مطابق ذیل ماده (۲۲۶ ق.م.م) ممکن است طرف های قرارداد به هنگام تشکیل عقد توافق کنند که متعهدله حق تعیین زمان انجام تعهد را داشته باشد در اینصورت متعهدله وقتی می‌تواند مطالبه خسارت کند که انجام تعهد را از متعهد درخواست کرده باشد و متعهد از انجام آن خودداری کرده باشد.

۵-۲-۲. انواع خسارت قابل مطالبه در تأخیر

اجرای تعهد قراردادی

انواع خسارت قابل مطالبه در تأخیر اجرای تعهد قراردادی عبارتند از:

۵-۲-۲-۱. خسارت مقرر توسط طرفین

«الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه و احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. زمانی که فردی متعهد به امری شد اجرای آن وظیفه قانونی، اجتماعی، اخلاقی، و دینی او محسوب می‌شود. این امر کاری پسندیده در همه جوامع و ملل بوده و تخلف از آن به عنوان نوعی خطا و عمل ضد اجتماعی تلقی می‌گردد. به همین منظور و برای جلوگیری از این تخلف، غالب کشورهای در قوانین خود ضمانت‌های اجرایی که عمدتاً مالی می‌باشد پیش‌بینی کرده‌اند. در حقوق ایران نیز این امر به

است. ۳. سبب متعارف و اصلی: بر طبق این نظریه تمامی شرایط و حوادثی که به ضرر منتهی می‌شوند در زمره اسباب قرار نمی‌گیرند بلکه فقط عاملی سبب نامیده می‌شود که به طور متعارف منجر به ورود ضرر می‌شود. حقوقدانان در انتخاب سبب مسئول به نتیجه‌ای واحد نرسیده‌اند و گفته‌اند: این کاوش قاعده نمی‌پذیرد و دادرس باید در هر مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوالی که حادثه زیان‌بار را احاطه کرده است داوری کند» (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۰۳). اما به طور کلی می‌توان - گفت عامل مهم و اساسی در تعیین سبب مسئول انتصاب عرفی ضررها به ایجاد کننده آن است.

۵-۲-۱-۴. لزوم جبران خسارت به حکم

قرارداد، قانون یا عرف

به موجب ماده ۲۲۱ ق.م.م: «اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد». به اعتقاد برخی از اساتید حکم ماده زائد است چراکه لزوم جبران خسارت طلبکار در عرف به اندازه‌ای روشن و قطعی است که تصور موردی که عرف مدیون متخلف را مسئول نشناسد، دشوار است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۸۹). با وجود این، از آن جا که ممکن است در وجود چنین عرفی تردید شود، تصریح قانون‌گذار حکم ماده را توجیه می‌کند. به علاوه چنان که گفته‌اند، طبع خساراتی که بر طبق قرارداد قابل مطالبه است با زیان‌هایی که به حکم عرف یا قانون خواسته می‌شود، متفاوت است. وانگهی ممکن است در قرارداد علاوه بر تصریح به اصل مسئولیت متخلف، میزان مسئولیت او نیز در قالب وجه التزام (ماده ۲۳۰ ق.م.م) تعیین شود. بر

برای تأخیر در انجام تعهدی که جز توسط متعهد انجام پذیر نیست تعیین می‌نماید و قابل کاهش و یا افزایش هم هست، و (وجه التزام غیرقراردادی) که قانون در موارد خاصی مشخص می‌کند، تفاوت گذارد» (لطفیان، ۱۳۷۱، ۱۰۳).

«چه در دو نوع آخر به هیچ وجه عنصر اراده و توافق طرفین وجود نداشته و در نتیجه از موضوع این مطالعه خارج است. استثناء قراردادهایی که تعهد اصلی آن پرداخت وجه نقد است از قاعده کلی مندرج در ماده ۲۳۰ دو مورد است که یکی ریشه در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران داشته و دیگری به بعد از آن مربوط می‌شود و هیچ‌یک در خود قانون مدنی ذکر نشده و هر دو نیز ریشه در نظر اسلام به بهره پول (ربا) دارد». (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ۷۸). «زمان تعیین این مبلغ و تکمیل شرط، براساس نص ماده فوق در ضمن معامله است که منظور در طول مذاکرات قراردادی و هم زمان با انعقاد عقد است و نه پس از آن. با این حال به نظر می‌رسد هر توافقی که قبل از وقوع تخلف بدین منظور صورت پذیرد (به صورت الحاقیه قرارداد) نیز می‌تواند دارای اعتبار بوده و قابل مطالبه تلقی گردد. به علاوه می‌توان شرط خسارت را در قرارداد لازم جداگانه دیگری نیز توافق و وارد نمود» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۴۱). الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه و احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. زمانی که فردی متعهد به امری شد اجرای آن وظیفه قانونی، اجتماعی، اخلاقی، و دینی او محسوب می‌شود. این امر کاری پسندیده در همه جوامع و ملل بوده و تخلف از آن به عنوان نوعی خطا و عمل ضد اجتماعی تلقی می‌گردد. به همین منظور و برای جلوگیری از این تخلف، غالب

روشنی پیش‌بینی شده است. برای این کار قانون مدنی ابتدا خسارات قراردادی و غیرقراردادی را از یکدیگر جدا کرده و هر یک را به طور مجزا بحث نموده است» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۳۱۲) در قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر این‌که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود) براساس این ماده هر عقد لازمی که مبنای قانونی داشته و یا ایجاد آن مخالف با قانون نباشد الزام‌آور بوده و طرفین موظف هستند کلیه تعهدات مندرج در آن را اجرا کنند. در غیر این صورت متخلف مسئول جبران خسارت طرف مقابل خواهد بود، مشروط بر این‌که این جبران در عقد یا قانون تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد. مگر در موردی که عدم اجرا به واسطه حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و یا غیر قابل دفع توسط متعهد باشد» (مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی).

مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی، «خسارت توافقی، مبلغی است که هر دو طرف یک قرارداد در حین مذاکرات قراردادی خویش، به عنوان خسارت قطعی متضرر ناشی از تخلف طرف مقابل، تعیین کرده و به صورتی که مخالف قانون نباشد در قرارداد درج می‌کنند».

«براساس ماده فوق خسارت توافقی مبلغی است که هر دو طرف یک قرارداد (که تعهد اصلی آن پرداخت وجه نقد نباشد) در حین مذاکرات قراردادی خویش به عنوان خسارت قطعی متضرر، ناشی از تخلف طرف مقابل، تعیین کرده و به صورتی که مخالف قانون نباشد در قرارداد درج می‌کنند. نکته قابل توجه آن است که باید میان این مبلغ وجه التزام قراردادی با وجه التزام قضایی که دادگاه در مرحله رسیدگی به اختلاف طرفین

جهت قانون نیز امتناع یکی از طرفین را از اجرای تعهدت خود از موجبات امکان فسخ قرارداد از سوی متعهدله به حساب نیآورده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ۵۸۷). «شیوه اختیار شده توسط قانون مدنی ایران (مواد ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۳۷ الی ۲۳۹)، برگرفته از نظریه مشهور فقهای امامیه است» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ۷۲۱). بعضی از فقها معتقدند: «با تخلف از شرط، ضرری برای مشروطه به وجود می‌آید که جبران آن از دو طریق امکان‌پذیر است: فسخ معامله و الزام مشروط علیه. و هیچ یک از این دو راه، ترجیحی بردیگری ندارد. لذا حق انتخاب با مشروطه می‌باشد. در تأیید این نظر گفته شده وجود خیار ناشی از قاعده لاضرر می‌باشد، و چه بسا رجوع به حاکم و طرح دعوا، خود موجب ضرر مشروطه باشد. بنابراین نباید حق خیار مشروطه را تا قبل از مراجعه به حاکم سلب نمود» (محقق داماد، ۱۳۸۴، ج ۲، ۴۴). «عده بیشتری از فقها، معتقدند که اختیار فسخ معامله برای جبران ضرر مشروطه است. حال اگر اجبار مشروط علیه ممکن باشد، دیگر ضرری قابل تصور نیست تا ضرورتی به حق فسخ باشد. لذا فسخ، فقط وقتی ممکن است که امکان اجبار مشروط علیه (ولو از طریق اجرای جایگزینی) فراهم نباشد» (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۴۳). همین نظر مورد اقتباس نویسندگان قانون مدنی در تنظیم ماده ۲۳۹ قرار گرفته است.

۵-۲-۲-۳. خسارت عدم النفع

در حقوق ایران اگرچه اصل جبران خسارت ناشی از تخلف از تعهدات قراردادی با وجود شرایطی در ماده ۲۲۱ ق.م. و نیز در ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. مورد تصریح است اما نسبت به این که این جبران خسارت باید کامل باشد و زیان دیده در موقعیت بعد از اجرای قرارداد قرار گیرد، تصریحی وجود ندارد. از مبانی مختلف مسئولیت مدنی از جمله قاعده اتلاف

کشورها در قوانین خود ضمانت های اجرایی که عمدتاً مالی می باشد پیش بینی می شود. در حقوق ایران نیز این امر به روشنی پیش بینی شده است. برای این کار قانون مدنی ابتدا خسارات قراردادی و غیرقراردادی را از یکدیگر جدا کرده و هر یک را به طور مجزا بحث نموده است.

۵-۲-۲-۲. خسارت مقرر توسط قانون

«در حقوق ایران، اجبار متعهد به اجرای عین تعهد، درجه اعلا جبران خسارت محسوب می‌شود» (شمس، ۱۳۸۰، ج ۱، ۷۲۸). و «در توجیه آن گفته شده که دو طرف عقد هنگامی به مطلوب و مقصود قراردادی خود می‌رسند که قرارداد به درستی اجرا شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ۷۲۴). «لذا اگر متعهد متخلف را نتوان ملزم به اجرای تعهد خویش نمود، طرفین به مقصود مورد نظر نرسیده و تکلیف و تعهد در روابط اجتماعی، مفهوم خود را از دست می‌دهد؛ زیرا بدون امکان وادار ساختن شخص به اجرای تعهد خود، نمی‌توان او را متعهد به انجام کاری دانست. قرارداد برای متعهدله ایجاد حق می‌کند و قانون باید رساندن حق را به صاحب آن، از طریق الزام مدیون، تأمین کند» (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۲۵). بنابراین لازمه احترام به قرارداد، برقرار کردن ضمانت اجرا برای آن است. «هم چنین مصلحت پایداری و ثبات قرارداد، به عنوان دلیلی دیگر بر عدم امکان فوری فسخ قرارداد منقوض، ذکر شده و ضرر عدم نیل متعهدله به اهداف قراردادی خود، در برابر این مصلحت ممدوح، ناچیز شمرده شده و سایر توجیهات متصور به منظور یافتن راهی برای امکان فسخ قرارداد نیز مردود اعلام گردیده است» (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۹۹). «علاوه بر این‌ها، گفته شده که امکان فسخ معامله لازم، حکمی ثانوی است و افراط در اجرای آن روا نیست. به همین

و تسبیب در بررسی اولیه استفاده می‌شود که جبران خسارت منحصر به از بین رفتن اموال موجوده است و جبران منافع آینده که به سبب تخلف از اجرای تعهد قراردادی، تقویت شده، از منظر این قواعد با چالش مواجه است. شاید متأثر از همین نگاه فقهی است که در قانون آئین دادرسی ۱۳۷۹ به صراحت عدم‌النفع غیرقابل مطالبه اعلام شده است. از این لحاظ نظر فعلی نظام حقوقی ایران این است که زیان‌دیده در موقعیت عدم اجرای قرارداد قرار گیرد (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۵۶).

البته دیدگاه قانون آئین دادرسی مدنی با اشکالات جدی مواجه است و با توجه به قواعدی هم‌چون لاضرر می‌توان نظریه مقابل را تقویت کرد. علاوه بر این، با استفاده از نهاد شرعی شرط ضمنی، و با استناد به عموم ادله نفوذ عقد و شرط، که در ماده ۲۲۱ قانون مدنی نیز مطرح شده می‌توان مسئولیت مدنی را علاوه بر خسارت ناشی از تخلف عین اموال، به خسارت ناشی از تقویت منافع آینده و عدم‌النفع نیز تسری داد. در صورت اثبات مبانی این فرضیه، هدف جبران خسارت ناشی از تخلف از تعهدات قراردادی در حقوق ایران را نیز می‌توان نظریه دوم: یعنی قرار دادن متعهدله در شرایط اجرای قرارداد دانست.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که در فقه، در خصوص جبران خسارت تأخیر اجرای تعهدات قراردادی اختلاف نظر وجود دارد اما به نظر، دیدگاه موافقین به واقعیت نزدیکتر است زیرا تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در بسیاری موارد باعث ضررهای مالی برای متعهدله می‌گردد و لذا لازم است خسارات وارد شده جبران گردد. در حقوق موضوعه نیز هرگاه در نتیجه تأخیر یا عدم اجرای قرارداد و پیمان شکنی یک طرف به طرف دیگر ضرر برساند،

متخلف باید آن را جبران کند. در حقیقت هرگاه نقض قرارداد ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در اجرای تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد موجب خسارت به طرف دیگر شود، وی حق مطالبه و جبران خسارت را دارد. برای این‌که متعهدله بتواند مطالبه خسارت کند باید: اول؛ مدت مقرر برای اجرای تعهد منقضی شده باشد. ثانیاً ضرر، متحقق، و متوجه متعهدله شده باشد. دوم؛ جبران خسارت به‌موجب قرارداد یا عرف یا قانون لازم باشد. خواهان با توجه به شرط تعیین خسارت در قرارداد می‌تواند از خواننده، مبلغ مندرج در قرارداد را به‌عنوان خسارت مطالبه کند. البته مطالبه خسارت در صورتی که است که عدم اجرا و خسارت مستند به فعل یا ترک فعل متعهد باشد و یا متعهدله در ورود آن با افزایش خسارت دخیل نباشد. اگر تعیین خسارت برای تأخیر در اجرا باشد، متعهدله مستحق مطالبه اجرای تعهد خواهد بود. برخلاف موقعی که دریافت خسارت برای عدم‌اجرا باشد در این صورت الزام به اجرا دیگر ممکن نیست؛ چرا که اعمال شرط خسارت به عنوان بدلی برای اجراست. روش معمول نیز این است که آن را عوض اجرای تعهد که زمان آن سپری شده است، قرار می‌دهند ولی گاهی تعهد، بخش‌هایی دارد مثل قراردادهای پیمانکاری که دارای بخش‌های مختلفی است و اگر در یک یا چند بخش از تعهدات تأخیر حاصل شده باشد، امکان مطالبه خسارت به صورت کلی مطابق توافق صورت گرفته وجود دارد زیرا در ق. م. بر اصل عدم قابلیت تجزیه تعهدات حاکم است. در اقع در ابتدا مبلغ خسارت از ابتدا به‌عنوان خسارت تخلف در اجرا بوده است و تخلف در اجرا نیز اعم از تخلف در اجرای کل یا جزء تعهدات است؛ زیرا قرارداد به طور کامل اجرا نشده

و متعهد نیز تخلف نموده است، متعهدله استحقاق دریافت کل مبلغ خسارت را خواهد داشت.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- احمدوند، ولی الله، آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مجله مصباح، شماره پنجاه و سه، مهر و آبان ۱۳۸۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- داراب‌پور، مهرداد، مسئولیت‌های خارج از قرارداد پرداخت خسارت استرداد عین و امتیازات، چاپ اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۷.
- دالوند، فضل‌اله، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دادیار، ۱۳۸۶.
- دالوند، فضل‌اله، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دادیار، ۱۳۸۶.
- رشتی، میرزاحبیب‌الله، کتاب الغصب، چاپ اول، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۲۲.
- رفیعی پور، چمران؛ یمرلی، صالح؛ صفوی، مجید، خسارت تأخیر درانجام تعهدات قراردادی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره پنجاه و شیش، تابستان ۱۴۰۱.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.
- شهرکی‌زنگنه، جعفر، جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در فقه امامیه - حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلام، ۱۳۹۷.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۲.

- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی آثار قراردادهای و تعهدات، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۲.
 - قاسم‌زاده، سید مرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
 - قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق تعهدات و قراردادهای، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
 - قاسم‌زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اصول قراردادهای و تعهدات نظری و کاربردی، چاپ نهم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۷.
 - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود اذنی- وثیقه‌های دین)، چاپ اول، تهران، نشر به‌نشر، ۱۳۶۴.
 - کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، چاپ هفدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
 - کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
 - کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد سوم و چهارم، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
 - لطفیان، حسین، قولنامه، ماهیت حقوقی و آثار آن، چاپ دوم، تهران، نشر روزنامه رسمی، ۱۳۷۱.
 - محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
 - وحدتی شبیری، سیدحسین، مبنای مسئولیت مدنی قراردادی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- عربی**
- انصاری، مرتضی، مکاسب، جلد ششم، قم، نشرکنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
 - خوبی، ابوالقاسم، منهج الصالحین، جلد دوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰.
 - شهیداول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
 - طباطبایی حائری، سید علی، ریاض المسائل (ط- الحدیث)، جلد شانزدهم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
 - علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء (ط- القدیمه)، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۳.
 - علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد دوم و سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
 - فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
 - کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ششم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴.
 - محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد سوم و چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
 - نجفی، شیخ محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم و سی و نهم، بیروت- لبنان، دار التراث العربی، ۱۴۰۴.
 - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهارم و پنجم و ششم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۷.

